

نقد و بررسی تعاریف کنایه در (عربی و فارسی)

علی رزاقی شانی^۱

چکیده

هدف نگارنده از این مقاله بر آن بوده تا با نقد و بررسی تعاریف متعدد کنایه و دریافت وجوه اشتراک و افتراق هر یک و نتیجه گیری از نقد و بررسی این تعاریف، تعریف دیگری از کنایه ارائه دهد که اغلب شاخص های مشترک تعاریف کنایه را در برگیرد و پس از آن، شاخص های تعریف، مورد بحث و توضیح قرار گرفته است.

کلید واژه: کنایه، حقیقت، مجاز، لازم و ملزوم، قرینه، معنای ثانوی.

دکتر تقی پورنامداریان:

«کنایه عبارت از آن است که متکلم اثبات معینی از معانی را اراده کند اما به جای آن که لفظی را که برای آن معنی وضع شده است ذکر کند، لفظ دیگری را که معنی آن مترادف معنی مراد است بیاورد و به وسیله‌ی این لفظ دوم به معنی اول اشاره کند.» (پورنامداریان، ۱۳۷۶: ۲۵)

دکتر میرجلال الدین کزازی:

«سخنور اگر بایسته‌ی (لازم) چیزی را در سخن بیاورد و از آن بایسته، خود آن چیز را بخواهد کنایه‌ی ای را به کار گرفته است. در کنایه معنای بایسته یا به سخن دیگر معنای راستین کنایه نیز پذیرفتنی و رواست.» (کزازی، ۱۳۷۵: ۱۵۷)

دکتر سیروس شمیسا:

کنایه جمله یا ترکیبی (از قبیل ترکیبات وصفی: آزاده‌ی تهیدست، ترکیبات اضافی: آب روان، صفات مرکب: بی نمک، مصادر مرکب: لب گزیدن) است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه‌ی صارفه‌ی بی هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۷۳)

دکتر بهروز ثروتیان:

«هرگاه کلمه و کلام، علاوه بر معنی حقیقی و ظاهری خود، معنی مقصود دیگری را نیز به همراه داشته باشد این معنی مقصود را معنی کنایی کلمه و کلام می‌نامند.» (ثروتیان، ۱۳۷۸ الف: ۹۹)

و در جای دیگر گفته است:

کنایه سخنی است که معنی حقیقی و نهاده‌ی آن قابل رد نیست و لیکن به اقتضای حال و در نسبت و مناسبت زمان و مکان و موضوع و مقال، معنی دیگری از آن فهمیده می‌شود. (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۲۲۴)

دکتر علوی مقدم و دکتر اشرف زاده:

کنایه: «عبارت است از ایراد لفظ و اراده‌ی معنی غیرحقیقی آن، به صورتی که بتوان معنی حقیقی آن را نیز اراده کرد». (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۷۶: ۱۳۳)

دکتر کامل احمدنژاد:

کنایه: «ذکر ملزوم اراده‌ی لازم است یعنی به کاربردن کلمه است در معنی یکی از لوازم آن کلمه». (احمدنژاد، ۱۳۷۲: ۱۰۵)

دکتر روح الله هادی:

«کنایه: پوشیده سخن گفتن است درباره‌ی امری، با بیان نشانه، نمونه یا دلیل آن امر. کنایه دریافت معنی معنی است از طریق استدلال». (هادی، ۱۳۷۷: ۱۰۷)

نقد و بررسی تعاریف فارسی کنایه

تعریف رادویانی ناظر به معنی لغوی کنایه است به معنی پوشیده گویی.

تعاریف ارایه شده‌ی فارسی را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته‌ی اول: تعریف‌هایی که مقوله‌ی ملازمت در آن مطرح شده است. تعریف:

شمس العلماء، نجف قلی میرزا، تقوی، آهنی، شفیع کدکنی و احمدنژاد.

دسته‌ی دوم: تعریف‌هایی که مقوله‌ی هم حقیقت و هم مجاز بودن کنایه در آن

تعریف دیگری از کنایه

با توجه به تعاریف ارائه شده و نقد و بررسی های انجام شده، می توان در تعریف کنایه گفت:

کنایه: کلمه، ترکیب، جمله، عبارت، مصراع یا بیتی است که:

دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد؛

این دو معنی لازم و ملزوم یک دیگر باشند؛

مراد گوینده معنای مجازی است اما به دلیل عدم قرینه‌ی صارفه، معنای حقیقی^۱

آن نیز پذیرفتنی باشد.

توضیح درباره‌ی شاخص های تعریف

بخش اول این تعریف، ناظر به ساختمان کنایه است که ممکن است در قالب

کلمه، ترکیب، جمله، مصراع یا بیت آورده شود، بخش دوم این تعریف، معنای حقیقی

و مجازی کنایه است:

مراد از معنای حقیقی: معنای راستین، هنری، غیرهنری، غیرادبی، ظاهری، زبانی،

قاموسی، اولیه، نزدیک، لازم، مکنی^۲ به است.

مراد از معنای مجازی: معنای هنری، ادبی، باطنی، غیرحقیقی، فراقاموسی، ثانویه،

دور، ملزوم و مکنی^۳ عنه است.

بخش سوم ناظر به رابطه‌ی ملازمت در کنایه است.

بنای کنایه بر «التزام»، یعنی ارتباط میان لازم و ملزوم استوار است.

خواجه نصیر توسی درباره‌ی التزام می نویسد:

«دلالت التزام آن است که به لفظ آن معنی خواهند که داخل بود در آن معنی ای که

لفظ به ازای او نهاده اند چنان که... به دراز گوش خر خواهند و آن را التزام خوانند».

(خواجه نصیر، ۱۳۷۵: ۲۲)

انوار. چ ۱. تهران: مرکز.

۱۶- داد، سیما. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چ ۳. تهران: مروارید.

۱۷- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.

۱۸- رادویانی، محمدبن عمر. (۱۳۶۲). ترجمان البلاغه. به تصحیح و اهتمام احمد

آتش. چ ۲. تهران: اساطیر.

۱۹- رازی، شمس الدین محمد بن قیس. (۱۳۶۰). المعجم فی معاییر الاشعار

العجم. به تصحیح مدرس رضوی. چ ۳. تهران: زوار.

۲۰- رجایی، محمد خلیل. (۱۳۷۶). معالم البلاغه. چ ۳. شیراز: دانشگاه شیراز.

۲۱- زرین کوب، غلامحسین. (۱۳۷۲). شعر بی دروغ شعر بی نقاب. چ ۷. تهران:

علمی.

۲۲- زمانی، کریم. (۱۳۷۵). شرح جامع مثنوی شریف. چ ۳. تهران: اطلاعات.

۲۳- سکاکی، ابن یعقوب یوسف. (۱۴۲۰ق.). مفتاح العلوم. حقه و قدم له و

فهرسه عبدالحمید هندآویی، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۴- شریعت، رضوان. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. چ ۱. تهران: هیرمند.

۲۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲ الف). صور خیال در شعر فارسی. چ ۵،

تهران: آگاه.

۲۶- ----- (ب). موسیقی شعر. تهران: آگاه.

۲۷- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). بیان. چ ۲. تهران: میترا.

۲۸- طباطبایی، محمد. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و صناعات ادبی. چ ۳. مشهد:

بنیاد فرهنگی رضوی.

۲۹- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۶۸). دیوان عطار. به اهتمام و تصحیح

تقی تفضلی. چ ۹. تهران: علمی و فرهنگی.

